

Cognitive and ethical strategies of peaceful coexistence with followers of religions and sects in Islamic religious texts

Khadigh Afshin ¹ | Mohammad reza Kaykha ²

1. Corresponding Author, Lecturer at Farhangian University of Zahedan and University of Sistan and Baluchestan and Secretary of Education and Development of Zahedan District 2, Zahedan, Iran. E-mail: khadigeh.afshin63@gmail.com
2. Associate Professor, of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 July 2023

Received in revised form:

6 August 2023

Accepted: 19 August 2023

Published online:

26 August 2023

Keywords:

Coexistence,
peaceful,
peace,
strategy

ABSTRACT

Interaction and communication is necessary for the civil nature of a person who, despite differences in religion, religion, ethnicity, race, etc., but has an inherent tendency towards collective life, therefore, the upcoming research seeks to answer the question that; What cognitive and moral strategies have religious texts ordered and emphasized for peaceful living with the followers of other religions? Rather, the original basis of dignity from the point of view of the religious texts of Islam is the nature of man, which is objective and has a lofty and noble position, and following religious orders under the title of strategy has at least two general and important results: a) humanity and love between hearts The general public, despite differences in ethnicity, religion, religion, etc., but as citizens, live under Islamic rule. b) At the national level, from a political and social point of view, behavior in accordance with religious recommendations, despite differences in religion, religion, ethnicity, etc., leads to the consolidation and preservation of the government and the strengthening of the foundations of the Islamic system. Secondary is important in order to achieve social, political, national and global results. religion, etc., but as citizens, live under Islamic rule. b) At the national level, from a political and social point of view, behavior in accordance with religious recommendations, despite differences in religion, religion, ethnicity, etc., leads to the consolidation and preservation of the government and the strengthening of the foundations of the Islamic system. Secondary is important in order to achieve social, political, national and global results.

Cite this article: Afshin, K., & Kaykha, M.r. (2023). Cognitive and ethical strategies of peaceful coexistence with followers of religions and sects in Islamic religious texts. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 7 (1), 197-213.
DOI: 10.22111/jrm.2023.45343.1121



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2023.45343.1121

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

راهبردهای معرفتی و اخلاقی همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان و مذاهب در نصوص دینی اسلام

خدیجه افشین^۱ | محمدرضا کیخا^۲

۱. نویسنده مسئول، مدرس دانشگاه فرهنگیان زاهدان و دانشگاه سیستان و بلوچستان، دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ زاهدان، ایران. رایانامه: khadigeh.afshin63@gmail.com

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تعامل و ارتباط، لازمه طبع و سرشت مدنی آدمی است که باوجود تمایز در دین، مذهب، قومیت، نژاد و... اما گرایش ذاتی به زندگی جمعی دارد. لذا تحقیق پیش رو به روش توصیفی- تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که؛ نصوص دینی به چه راهبردهای معرفتی و اخلاقی جهت زیست مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان انسان را سفارش و تاکید نموده است؟
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۰	یافته‌ها نشان می‌دهد که نفس الامر نصوص طرفی به دین، مذهب، مسلک و... نمی‌بندد و عناوین از این قسم ملاک سنجش ارزش‌گذاری آدمی بشمار نمی‌آید بلکه مبنای اصیل کرامت از منظر نصوص دینی اسلام، ذات انسان است که بما هو انسان موضوعیت داشته و برخوردار از جایگاه رفیع و فخیم است که عمل به دستورات دینی تحت عنوان راهبرد لاقبل دو ثمره کلی و مهم دارد: الف) انس و الفت میان قلبهای عموم مردم که باوجود عدم اتحاد در قومیت، دین، مذهب و... اما به عنوان شهروند، تحت حاکمیت اسلامی زندگی می‌کنند. ب) در سطح ملی و از جهت سیاسی و اجتماعی رفتار مطابق با توصیه‌های دینی با صرفنظر از مذهب، دین، قومیت و... به تحکیم و حفظ کیان حکومت و تقویت بنیان‌های نظام اسلامی می‌انجامد. بنابراین رفتار همراه با عطفوت اسلامی و فارغ از عناوین ثانویه در راستای دستیابی به ثمرات اجتماعی، سیاسی، ملی و جهانی شایسته توجه است.
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۵/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۱۴	
واژه‌های کلیدی: همزیستی، مسالمت آمیز، صلح، راهبرد.	

استناد: افشین، خدیجه؛ و کیخا، محمدرضا (۱۴۰۲). راهبردهای معرفتی و اخلاقی همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان و مذاهب در نصوص دینی اسلام.

DOI: 10.22111/jrm.2023.45343.1121

مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، ۷ (۱)، ۱۹۷-۲۱۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

طبیعت ذاتی و خدادادی انسان میل به زندگی جمعی دارد اما تنش و خشونت از مسئله‌ها و دغدغه‌های اساسی زیست انسان‌ها در کنار یکدیگر به شمار می‌رود. انسان به عنوان موجودی که اشرف مخلوقات نام گرفته در طول حیات خود دو نوع عملکرد را نمایان ساخته است به طوری که هم منشا پیشرفت‌ها و تحولات مثبت و سازنده و هم عامل خشونت و ویرانی و خونریزی بوده است. مبنای ترقی و پیشرفت و یا خشونت و جنگ را می‌توان در تنوع و گوناگونی خلقت انسان‌ها دانست. نظام آفرینش، دو انسان که به لحاظ تفکر، توانمندی، خواستها، گرایش‌ها و... عیناً مثل هم باشند را، نقض می‌نماید که این امر بر قدرت و عظمت لایتناهی باری تعالی دلالت دارد. قرآن کریم اصل تنوع انسان‌ها را در قالب گروه‌ها و اقوام و هم در اصل وجود اقلیت‌ها به عنوان یک واقعیت به رسمیت شناخته است.^۱ (حجرات/ ۱۳)

از آنجایی که زندگی انسان‌ها علی‌رغم تفاوت در بینش و تفکر، نژاد و قومیت و... گاهی منجر به تنش و نزاع و خشونت و جنگ می‌گردد لذا می‌بایست راهکارها و یا خط و مشی‌هایی که در فقه اسلام طرح گردیده، استخراج شود تا با بکارگیری راهبردهایی از قرآن و سنت، دریافت با چه افراد و گروه‌هایی و در نظر گرفتن چه شرط و شروطی، تحت چه قوانین و شرایطی باید همزیستی مسالمت‌آمیز داشت و با چه کسانی جنگ و خشونت جایز است. همزیستی، صلح و توافق انسان‌ها با یکدیگر و در هر شرایطی اساس و مبنای اسلام به شمار می‌رود و جنگ و تهاجمات انسانی مردود و مطرود اسلام و فقه اسلامی است به جز دفاع در برابر حمله و تجاوز که امری ضروری و عقلی است.

بدین ترتیب؛ پرسش‌هایی که در پژوهش به آنها پرداخته می‌شود:

۱- مولفّه موکّد راهبردهای معرفتی نصوص دینی اسلام در همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان و مذاهب چیست؟

۲- توجه به راهبردهای اخلاقی در سطح ملی چه ثمراتی در همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان و مذاهب دارد؟

^۱ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ (حجرات/ ۱۳)

۱- مفاهیم پژوهش

۱-۱. راهبرد: راهبرد یا استراتژی شامل برنامه ها، روش ها، خط مشی ها، رهنمودهای کلی، اساسی و نسبتاً دائمی می شود که برای رسیدن به اهداف خاص و از پیش تعیین شده مورد استفاده قرار می گیرند به گونه‌ای که کیفیت و چگونگی رسیدن به هدف را برای ما تعیین می کند. (علیخانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۷) گرچه؛ راهبرد لفظی نظامی به نظر می رسد؛ لکن به دلیل مشتمل بودن بر تمامی پیشرفت های مورد نیاز برای دستیابی به مقصد در سایر موضوعات نظیر: اقتصادی، سیاسی، معرفتی و حتی در گستره بین المللی و جامعه جهانی نیز به کار گرفته می شود.

۱-۲. همزیستی: انسان به دلیل طبع مدنی ناگزیر از ارتباط با دیگر انسان هاست بدین ترتیب هرگاه تعدادی از انسان ها در زمان و مکان واحد یا فقط در زمان واحد و با داشتن روابط اجتماعی زندگی کنند، مصداقی از همزیستی ظاهر میشود. (علیخانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹)

آنچه که در مرحله برقراری همزیستی اهمیت دارد؛ تعامل است که حتی با وجود زندگی کردن در یک زمان یا در یک مکان نیز می توان، شاهد همزیستی بود.

۱-۳. همزیستی مسالمت آمیز: زیست انسانها در کنار یکدیگر به صورت مسالمت آمیز می بایست بدون لحاظ عوامل اختلاف زا مثل دین، مذهب، نژاد، ملیت و... غیره باشد در صورتی که هر یک از عوامل پیش گفته در جهت برانگیختن تعارض و تنش میان انسانها فعال گردد، در این صورت بشر نمی تواند زیست همراه با مسالمت و صلح را تجربه نماید. قلمرو همزیستی مسالمت آمیز محدود و منحصر به یک شهر یا کشور نمی شود بلکه جامعه بین المللی را نیز بر می گیرد زیرا تفاوت در دین، مذهب و... تنها در یک کشور وجود ندارد بلکه شعاع وسیع آن در سطح جهانی نمایان می شود. مقصود از مسالمت آمیز بودن یک رابطه منوط به نادید گرفتن و عدم توجه به عوامل برهم زننده تعامل و روابط میان انسان هاست به عبارت دیگر از هر آنچه که تهدیدی برای زیست همراه با آشتی و آرامش است، باید اجتناب کرد تا فضایی مبتنی بر اشتراکات حاکم گردد.

۲- راهبردهای معرفتی همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان و مذاهب در نصوص دینی

۱-۲. پذیرفتن کرامت ذاتی انسان

تعالیم اسلامی بر جایگاه ویژه انسان فارغ از دین، مذهب و... دلالت دارد اساس این مسئله نیز در نفخ روح الهی در کالبد وجودی انسان است^۲ (حجر: ۲۹) که سبب برتری او بر سایر موجودات شد و به او کرامت بخشید^۳. (اسرا: ۷۰) عظمت روح الهی آنچنان مقام انسان را بالا برد که موجب سجده ملائکه گردید. (ص. ۷۲) علامه طباطبایی دمیده شدن روح خداوند در وجود انسان را در مرتبه نازلی می داند و بر این اعتقاد است که انتساب روح به خداوند بابت احترام و شرافت دادن به انسان بوده است. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۱۷، ص. ۳۴۳) لذا نوع انسان برخوردار از این روح خدایی هستند و کلیه ابناء بشر را در بر می گیرد و به مذهب، دین، نژاد و یا تفکرات سیاسی اجتماعی خاص منحصر نشده است بنابراین همه انسانها به خاطر انسانیت از جوهره و ذاتی قابل تکریم و احترام برخوردارند چنان که پیامبر(ص) در خطبه حجة الوداع عدم برتر انسانی بر انسان دیگر را نشأت گرفته از یک خدا و یک پدر و مادر دانست و بیان داشت که جدّ همه انسانها حضرت آدم(ع) و آدم از خاک آفریده شد و هیچ انسانی بر دیگری ترجیح ندارد. (الحرانی، ۱۴۰۴، ص. ۳۴؛ حنبل، ۱۴۲۰: ج ۱۴، ص. ۳۴۹؛ ح ۸۷۳۶: ج ۱۶، ص. ۴۸۶؛ ح ۱۰۷۸۱؛ ابونعیم، ۱۴۰۷: ج ۳، ص. ۱۰۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ج ۱، ص. ۱۲۸) امام علی(ع) نیز بر برابری همه انسان ها تاکید کرده اند لذا هیچ کس و هیچ نژادی بر دیگری برتری ندارد. (الحرالعالمی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص. ۱۰۷؛ ثقفی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص. ۴۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ج ۲، ص. ۲۰۱) بعد از خلقت انسان خداوند به فرشتگان دستور داد که بر انسان سجده کنند. (طه، ۱۱۶؛ بقره، ۳۴؛ اعراف، ۱۱؛ اسرا، ۶۱؛ کهف، ۵۰) تعظیم فرشتگان بر نوع انسان به جهت ذات و ماهیت او جدای از دین و مذهب بود فرمایش امام علی(ع) نیز تاییدی بر این مطلب است. (سیدرضی، ۱۳۷۱، خطبه ۱، ۵) بنابراین یکی از معیارهای همزیستی مسالمت آمیز به لحاظ معرفتی؛ احترام و تکریم همه گروهها و اقلیت ها بدون توجه به دین، مذهب، نژاد و... است زیرا ملاک ارزشمندی انسان ها نزد خداوند، تقواست. (حجرات، ۱۳) و همان خداست که به لحاظ تقوا و ایمان قلبی انسانها را در

^۲ فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي... (حجر/۲۹)

^۳ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... (اسراء/۷۰)

آخرت امتیاز و جایگاه والا می دهد^۴. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۷، ۳۷ و محمد الریشهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ۱۰۶-۷)

۲-۲. پذیرش اجباری نبودن دین یا اعتقاد خاص

در آموزه‌های اسلامی نشان از عدم مشروعیت و ارزشمندی اجبار به دین یا اعتقاد خاص حکایت دارد. قرآن تصریح می کند که در پذیرش دین اجبار نیست. (بقره، ۲۵۶) و به صراحت بیان می کند که اگر خواست خدا تعلق می گرفت، همه مردم را مومن یا مسلمان قرار میداد. (یونس، ۹۹) عدم الزام خداوند به پذیرش دین خاص به جهت دادن آزادی به انسان در انتخاب و دیدن نتیجه آن است. (کهف، ۲۹؛ انسان، ۳) در همین راستا خداوند وظیفه پیامبرش را تذکر و ابلاغ دانسته که حق اکراه مردم به دین اسلام را ندارد. (ق، ۴۵؛ غاشیه، ۲۱-۲۲؛ یونس، ۹۹؛ آل عمران، ۲۰؛ مائده، ۹۲ و...) بنابراین هر کس مسئول عمل خویش است و هر کس بر راه حق و درست چشم خود را ببندد، به ضرر خویش رفتار کرده است. (انعام، ۱۰۴؛ اسراء، ۷؛ زلزله ۷-۸؛ آل عمران، ۳۰) هیچ کس حق ندارد با زور کسی را نسبت به پذیرش و یا انجام مناسک دینی خاص وادار نماید بلکه قرآن تنها به گفتن ایمان آوردیم اکتفا نکرده بلکه ایمان واقعی را نفوذ در قلب می داند که در غیر این صورت بر اعمال، فایده ای مترتب نمی شود^۵. (حجرات، ۱۴) خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: اگر تو را تکذیب کردند بگو عمل من برای من باشد و عمل شما برای خودتان، شما از عمل من بیزارید و من از عمل شما بیزارم. (یونس، ۴۱) لذا خداوند اجازه قضاوت نسبت به مناسک و اعمال فرد و گروه را نمی دهد بلکه لازم است؛ به عنوان یک واقعیت پذیرفته شود. آیه دیگری این امر را تایید می کند بدین صورت که می گوید؛ نگرش ها، رفتارها و اعمال هر کس خاص خود اوست. (بقره، ۱۳۹) از آنجایی که خداوند عادل است، اعتقاد هر کس را در ترازوی خود فرد، مورد سنجش قرار می دهد و هر کس خودش باید پاسخگوی اعمالش باشد به همین دلیل است که از دیدگاه اسلام هیچ کس حق ندارد دیگران را بر داشتن دین یا اعتقاد خاصی حتی اگر حق و درست باشد اجبار و وادار نماید. (آل عمران، ۲۰؛ مائده، ۹۹ و ۹۲؛ شوری، ۴۸) شایسته است حق و درست بودن هر راه و مذهبی را خود افراد تشخیص

^۴ قال علی ع ... لا فضل فيه لأحد على أحد و للمتقين عند الله غدا أحسن الجزاء و أفضل الثواب لم يجعل الله الدنيا للمتقين أجرا و لا ثوابا و ما عند الله خير للابرار... (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۷، ۳۷؛ زی الشهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ۱۰۶-۷)

^۵ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات/۱۴)

دهند و انتخاب کنند، وظیفه پیامبر(ص) نیز فقط ابلاغ و تبیین بوده است تا راه درست از نادرست برای مردم شناخته شود و عاقبت هر مسیر و اعتقاد روشن گردد. اینکه در قرآن و متون اسلامی، مسلمانان به تفقه در دین یا امر به معروف و نهی از منکر یا دعوت دیگران به اسلام موظف شده‌اند به معنی الزام و اجبار کردن بر پذیرش اسلام یا راه و عملکرد غیر نیست، تفقه در دین و امر به معروف و نهی از منکر که دارای شرایط و قواعدی است به معنی الزام و اجبار افراد به راه تفکر خاصی نیست. (علیخانی، ۱۳۹۲، ص. ۵۶) چنانکه امام علی(ع) در پاسخ به محمد بن ابوبکر والی مصر که درباره ماه پرستان و خورشید پرستان پرسیده بود پاسخ داد؛ که آنها را رها کند تا هر چه را می خواهند، بپرستند.^۶ (ثقفی، ۱۳۵۵: ج ۱، ص. ۲۳۱-۲۳۰) و در تعبیر دیگری آمده است که؛ هر کاری می‌خواهند انجام دهند. (الحرالعالمی، ۱۴۰۹: ج ۲۸، ص. ۱۵۲) از دیگر نمونه‌هایی که پژوهشگران و مورخان نشان داده‌اند که؛ مسلمانان به هر منطقه‌ای وارد می‌شدند پیروان سایر ادیان را به زور وادار به پذیرش اسلام نمی‌کردند بلکه با رسمیت شناختن دین آنها و سعه صدر نگرش اخلاقی همزیستی مسالمت آمیز را در آن جامعه ایجاد می‌کردند. (الطبری، ۱۴۰۷: ج ۳، ص. ۶۰۹)

۲-۳. پذیرش واقع‌گرایانه در مواجهه با پیروان سایر ادیان و مذاهب

هر پدیده‌ای را می‌توان از چند نظر مورد بررسی قرار داد: یکی از منظر درست یا نادرست بودن یا بر حق و ناحق بودن و اینکه یک واقعیت وجود عینی و خارجی دارد. وجود ادیان، مذاهب، نگرش‌های گوناگون به عنوان یک واقعیت خارجی مسلم است و پس از پذیرش این امر مسئله همزیستی مسالمت آمیز مطرح می‌شود. قرآن نیز وجود ادیان مختلف را به عنوان واقعیت به رسمیت شناخته و از پیروان آنها می‌خواهد که بر اساس اعتقادات و مبانی دین خود رفتار کنند. (مائده ۴۴ و ۴۷ و ۶۸) به حدی بینش قرآنی وسیع و آزادی‌نگر است که حتی کسانی که دعوت پیامبر(ص) را نسبت به دین اسلام نمی‌پذیرند، خداوند از آنها چشم پوشی می‌کند.^۷ (انعام، ۱۰۴؛ یونس ۴۱؛ بقره

^۶ بعث علیّ- علیه السلام- محمد بن ابی بکر أمیرا علی مصر فکتب الی علیّ- علیه السلام- یسأله عن رجل مسلم فجر بامرأة نصرانیة، و عن زنادقة فیهم من یعبد الشمس و القمر، و فیهم من یعبد غیر ذلک، و فیهم مرتدّ عن الإسلام، و کتب یسأله من مکاتب مات و ترک مالا و ولدا. (ثقفی، ۱۳۵۵، ج ۱، ۲۳۱-۲۳۰)

^۷ لَإِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره/۲۵۶)

۲۵۶) و هر کس را مسئول عمل خویش می‌داند و آنان را به پذیرش اسلام که نزد خداوند دین درست است، اکراه نمی‌کند. (آل عمران، ۹ و ۱۸۵) زیرا تصریح قرآن است که اسلام کاملترین و بهترین دین است همچنان که پیروان سایر ادیان نسبت به دین خویش بر این اعتقادند و اگر این اعتقاد نباشد اساساً پذیرش آن دین، خودشان را زیر سوال می‌برد اما تصریح قرآن مبنی بر کاملتر و درست‌تر بودن دین اسلام مانع از پذیرش و احترام به سایر ادیان نمی‌شود.

آنچه باعث شده قرآن تنوع ادیان و نگرش‌ها را به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار دهد و با آنها به گفتگو بپردازد و راه تعامل و همزیستی را باز کند اصل وجود "انسان‌های مختلف با دیدگاه‌ها و اعتقادات گوناگون" به عنوان یک واقعیت است. از دیدگاه اسلام، وجود "انسان" از یک سو "اصالت" دارد و در هر جامعه یا هر شرایطی که قرار گیرد، جوهره ذاتی خود را از دست نمی‌دهد. از سوی دیگر "واقعیت" دارد و به عنوان یک پدیده عینی که می‌تواند منشا اقدامات و تحولات بسیاری شود، در جامعه وجود دارد. به دو دلیل فوق، از دیدگاه اسلام اقلیت‌هایی که در جامعه زندگی می‌کنند اساساً بیگانه، خارجی و اجنبی شمرده نمی‌شوند و یک پیوند معنوی و روحی بین آن اقلیت و کل جامعه اسلامی ایجاد می‌گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص. ۳۰) نگرش واقع‌گرایانه اسلام، انسان‌هایی را که هیچ دینی ندارند و هیچ خدایی را نمی‌پرستند نیز در بر می‌گیرد و همزیستی مسالمت‌آمیز با چنین انسانهایی ضرورت و معنا پیدا می‌کند چون واقعیتی پیش روی آنهاست که می‌بایست آن را پذیرفت و یا لااقل با آن کنار آمد تا هر کس بر اساس آنچه به آن باور دارد، عمل نماید و به تعبیر امام علی (ع) "مومن کار خویش کند و کافر به راه خویش رود." (سیدرضی، ۱۳۷۱، ص. ۳۹) قرآن به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که در مواجهه با کافران بگو: من آنچه شما می‌پرستید، نمی‌پرستم و شما نیز آنچه را من می‌پرستم، نمی‌پرستید و دوباره تکرار می‌کند پس دین شما برای خودتان و دین من برای خودم باشد. (کافرون، ۶-۱) لذا تمییز حق و باطل و یا درست و نادرست مورد بحث نیست بلکه انسان‌ها در شرایطی واقع می‌شوند که گروه‌های مختلف اعتقادات و باورهای یکدیگر را نمی‌پذیرد و هر کس با بر باور خود مصمم است. قرآن دستور می‌دهد هیچ کس مخل و مزاحم دیگری نشود و دین هر کس برای خودش باشد. علامه طباطبایی نیز مطرح می‌کند که اساساً مقصود، توافق و اقناع یکدیگر نیست بلکه آیه بیانگر عدم پذیرش اعتقاد و باور دیگری است. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۸، ص. ۶۴۵) در نتیجه هر کس به راه خود رود.

۴-۲. برخورداری از نگرشی فراقومی و فرامذهبی

داشتن نگرشی فرا قومی و فرامذهبی منوط به پذیرفتن افکار، اعتقادات و... پیروان سایر ادیان می‌باشد گرچه قرآن دین مقبول را اسلام معرفی می‌کند و همگان را به آن دعوت می‌نماید لکن توصیه و سعی در فراهم کردن همزیستی مسالمت آمیز با صاحبان ادیان نیز دارد چنانکه پیامبر (ص) برای انجام مناسک غیرمسلمانان آزادی قائل بود و اجازه مزاحمت از سوی دیگران را نمی‌داد. (حمیدالله، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰-۱۶۹) همچنین می‌فرماید: همه انسانها به مثابه دندانه‌های شانه برابرند. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۶۸؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۷۹) که حکایت از نگرش انسانی به تمامی مردم فارغ از دین، مذهب، ملیت، نژاد، قوم و... دارد لذا آنچه موضوعیت دارد، انسان بما هو انسان است و متمایز بودن انسانها به لحاظ قومی، فرهنگی، اعتقادی تاثیری در برتری آنان ندارد. در نامه امام علی(ع) به عنوان حاکم اسلامی جملات و عباراتی وجود دارد که همه انسانها را از هر ملیت، نژاد، صنف و... شامل می‌شود. در این نامه "ناس" به معنی مردم در ۹ مورد، "رعیت" به معنی "شهروند" سیزده مورد، "عامه" به معنی همگان در سه مورد، "عباد الله" به معنی بندگان خدا یک مورد، "کل امری" به معنی هر انسانی دو مورد و مهمتر از همه اینکه "نظیر لک فی الخلق" به معنی همنوع تو در خلقت یک مورد آمده است. (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۳۱۹) امام علی(ع) شهروندان جامعه اسلامی را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته اول؛ برادر دینی حاکمان هستند و مسلمان به شمار می‌روند و دسته دوم؛ انسانند همانند حاکمان، ولی مسلمان نیستند^۸. (سید رضی، ۱۳۷۱، نامه ۵۳، ۳۲۶) بنابراین از دیدگاه امام علی(ع) معیار ارزشمندی، ماهیت انسان است که جزء ذات انسان می‌باشد و تا ابد همراه اوست حتی بعد از مرگ تمام نمیشود چون از دیدگاه اسلام، جسد انسان نیز شایسته تکریم و انجام مناسک خاصی است. امام علی(ع) انسان‌ها را فراتر از قوم، مذهب، دین و... می‌بیند و حکم به برابری آنها می‌دهد. (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۳۱۹) نگرش امام علی(ع) به انسان‌ها همراه با محبت و عشق ورزی است زیرا صرف انسان بودن افراد علت تامه جهت تعظیم و تفضیح آنهاست بطوریکه شایسته است؛ حاکمان، مردمانی را که در جامعه آنها زندگی می‌کنند، دوست

^۸ وَأَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللِّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا (ضارباً) تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَدٌ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ. (سید رضی، ۱۳۷۱، نامه ۵۳، ۳۲۶)

داشته باشند که برون داد این امر، فراتر از همزیستی مسالمت آمیز جلوه گر می شود همچنانکه از دیدن گدایی کردن یک مسیحی ناراحت شدند و دستور دادند تا از بیت المال مسلمانان به او انفاق شود. (الحر العاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۶۶) و یا در پاسخ یکی از والیان که از امام سوال کرد: یک مسلمان و یک مسیحی مرتکب خلافی شده اند، از نظر حقوقی چگونه با آنها رفتار شود؟ امام نوشتند: مسلمان طبق قوانین اسلام مجازات شود و مسیحی به بزرگانیش تحویل شود تا طبق قوانین دین خود مورد مجازات واقع شود.^۹ (الحر العاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۸، ص ۴۱۵؛ ثقفی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۰) پایبندی به اصول اخلاقی و جایگاه انسانیت و لزوم احترام به کرامت انسانی را می طلبد و اینکه امام علی (ع) در اقلیت قرار داشتن مسیحیان در جامعه اسلامی، متخلف مسیحی را نیز مجازات کند اما تکریم همگان و حفظ حقوق آنان برای حضرت در اولویت قرار دارد همچنان که در قبال ظلم به زن یهودی شدیداً ناراحت شده و فرمودند: "از این غصه اگر مردی بمیرد، جای سرزنش نیست" (ثقفی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۷۶؛ سید رضی، ۱۳۷۱، ص ۲۸-۲۷) اهمیت انسانیت آنچنان بالاست که تفاوتی از حیث مسلمان و یا غیر مسلمان بودن ندارد. بنابراین نگرشی فرا مذهبی و فراقومی، اولویت دادن به انسان فارغ از وجوه متمایز دیگر که به لحاظ عقیدتی، اجتماعی و... می تواند باشد را، ایجاب می کند که با اتکا به همین بعد اصلی انسان ها با وجود تفاوت در نژاد، مذهب، عقیده و... اما در انسانیت برابرند و بر متولیان حکومت که مسئول برقراری وحدت و انسجام میان گروه ها، قومیت ها، نژادها، مذاهب و... هستند، می بایست رفیق، مدارا، محبت و دوستی و... را در سطح سرزمین تحت حاکمیت خویش برقرار ساخته و بستر عدالت و امنیت اجتماعی را فراهم و تضمین نمایند.

۳- راهبردهای اخلاقی همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان و مذاهب در نصوص دینی اسلام

راهبرد های انسانی و اخلاقی ریشه در راهبردهای نظری و معرفتی دارد بدین صورت که راهبردهای معرفتی مطابق با نصوص دینی، ثمره آن ظهور و تجلی راهبردهای اخلاقی که جنبه عینی و عملی دارند، خواهد بود. اینک به تعدادی از این راهبردها پرداخته می شود.

^۹ بعث علی- علیه السلام- محمد بن ابی بکر أمیرا علی مصر فکتب الی علی- علیه السلام- یسأله عن رجل مسلم فجر بامرأة نصرانیة، و عن زنادقة فیهم من یعبد الشمس و القمر، و فیهم من یعبد غیر ذلک، و فیهم مرتد عن الإسلام، و کتب یسأله من مکاتب مات و ترک مالا و ولدا. (ثقفی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۰)

۱-۳. احترام و تکریم

قرآن از مسلمانان می خواهد که با مردم به زبان خوش سخن بگویند. (بقره، ۸۳) مردمی که مورد سفارش قرآن هستند از هر دین و مذهب می باشند و زبان خوش در مورد افرادی که به لحاظ فکری و اعتقادی متفاوت و حتی مخالف هستند، موضوعیت و معنای بیشتری می یابد. از منظر اسلام گروه‌های مختلف و اقلیت ها در هر جامعه ای محترمند، حتی در مواردی می بایست احترام به آنان بیش از حد معمول صورت گیرد که احساس غربت نکنند و در اقلیت بودن خود را ناخوش نپندارند. مصادیقی از احترام پیامبر(ص) به پیروان سایر ادیان عبارت است از:

الف) پیامبر اسلام (ص) عباى خود را زیرپای مسیحیان نجران پهن کرد و برای تمام افراد و گروه های غیر مسلمان که وارد مدینه می شدند، احترام بسیار قائل بود. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص.ص. ۱۹۶ - ۱۵۳) و ب) زمانی که مسیحیان حبشه وارد مدینه شدند پیامبر(ص) شخصاً به آنها خدمت می کرد و در مسجد به آنان منزل داد. (حمدون، ۱۹۶۰: ج ۷۸، ص. ۹۵)

ج) ادای احترام پیامبر(ص) به پیروان سایر ادیان آنقدر وسیع و خالصانه بود که به احترام جنازه یک یهودی برخاست و در تشییع جنازه او شرکت کرد، همراهان گفتند: یک یهودی بود ولی ایشان فرمود: او انسان بوده و محترم است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص.ص. ۲۷۲-۳؛ بخاری، ۱۴۲۰: ج ۴، ص. ۳۱۱) تا حدی تکریم صاحبان سایر ادیان اهمیت دارد که پیامبر (ص) در عهد نامه مسیحیان سینا قید کردند؛ که هیچ یک از آنان نباید مورد ظلم و زور قرار بگیرد و یا آزار و اذیتی به آنها برسد بلکه می بایست با آنان مدارا شود و هر جا که باشند، محترم و معزز خواهند بود. (زیدان، ۱۳۳۶: ج ۴، ص.ص. ۱۱۹-۱۲۰) موضوع محترم شمردن اقلیت های دینی منحصر به عقاید نمی شود بلکه تکریم مراسم و مناسک آنان را نیز تحت الشعاع قرار می دهد مثلاً پیامبر(ص) سایر ادیان را همیشه به نیکی یاد می کرد و می فرمود: من در دنیا و آخرت به عیسی بن مریم نزدیک تر از بقیه مردم هستم، پیامبران برادران ناتنی اند، مادرانشان متفاوت اما دین آنها یکی است. (بخاری، ۱۴۲۰: ج ۴، ص. ۱۴۲) بنابراین توهین نکردن به اعتقادات، مناسک و مقدسات سایر پیروان، فارغ از درست یا نادرست بودن آنها یک راهبرد مهم در دستیابی به همزیستی مسالمت آمیز است که مورد توجه پیامبر(ص) نیز بوده است.

۲-۳. احسان و نیکی کردن

از دیدگاه اسلام، نیکی کردن فارغ از اینکه به چه صورت و نسبت به چه کسی باشد، موضوعیت داشته و اساساً عملی مورد تاکید است. قرآن همه مسلمانان را به عنوان قاعده و سفارش عمومی امر به نیکی می کند زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (بقره، ۱۹۵) از صفات خداوند نیز نیکی کردن در حق بندگان است و می فرماید همچنان که خداوند به تو نیکی کرد تو نیز در حق دیگران نیکی کن (قصص، ۷۷) فلسفه سفارش به نیکی کردن در قرآن آمده است که هرگونه احسان و نیکی در نهایت به انجام دهنده آن، باز می گردد. (اسراء، ۷) دنیا و جوامع بشری در اصل به شکل دوار هستند که هر گونه کنش انسانها، واکنش های متناسب با خود را دارد. ثمره نیکی کردن تنها محدود به دنیا نمی شود بلکه عامل احسان در آخرت نیز از عمل خود منتفع می گردد. (نحل، ۳۰) لذا نیکی به انسان ها بدون توجه به فرقه، مذهب، آیین و... مورد تاکید و سفارش الهی می باشد زیرا که خوبی کردن ذاتاً پسندیده و جاذبه قلب هاست و به مثابه آهنربایی عمل می کند که دلها را به سمت خود میکشد و زمینه همزیستی انسان ها به صورت مسالمت آمیز و همراه با صلح و آرامش را فراهم می کند.

۳-۳. منع توهین و تهمت

هتک حرمت و توهین به انسان ها، به هر دلیل و تحت هر شرایطی مجاز نیست. خداوند به مسلمانان هشدار می دهد که مشرکان بت پرست، دشنام ندهند زیرا آنان از روی جهالت به خداوند دشنام می دهند^{۱۰}. (انعام، ۱۰۸) تفسیر آیه به اقلیت های دینی اشاره دارد و بیان می دارد؛ بر هیچ مسلمانی جایز نیست که صلیب ها، کلیساها و کیش آنان را دشنام و ناسزا گوید یا دست به کاری زند که توهین تلقی گردد. (قرطبی، ۱۳۵۲: ج ۷، ص ۶۱) گستره سفارش قرآن منحصر به مسیحیان نمی شود بلکه همه غیر مسلمانان و حتی غیر خدا پرستان را در بر می گیرد. همچنین از دیدگاه اسلام، حفظ آبرو و حرمت اقلیتها در یک جامعه اسلامی واجب بوده و غیبت کردن از آنان همانند غیبت مسلمانان حرام است. (الحصافی، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۲۷۳-۴؛ ابن عابدین، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۲۴۴ و ۲۵۰؛ النمری القرطبی، ۱۹۸۱، ص ۷۵۴) و نسبت ناروا دادن به دیگران، تهمت است و

^{۱۰} وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام/۱۰۸)

انجام این عمل نیز ممنوع می باشد. (سیوطی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص. ۳۱۰؛ طبرانی، بی تا، ص. ۸۸) اسلام به هیچ کس اجازه تهمت زدن به اقلیت های دینی را نمی دهد. (سیوطی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص. ۳۱۰) در جنگ صفین امام علی (ع) بعد از اینکه متوجه شد، سپاهیانش به لشکر معاویه ناسزا می گویند آنها را منع کرد و فرمود: من دوست ندارم شما دشنام گو باشید به جای آن، دعا کنید که خدا خون شما و آنان را حفظ کند و یا اینکه اقدامات نادرست آنها را مورد نقد قرار دهید ولی توهین نکنید^۱. (سیدرضی، ۱۳۷۱، خطبه ۲۰۶، ص. ۲۴۰) در عهد نامه میان پیامبر (ص) و مسیحیان نجران آمده است که هیچ اهانتی به آنان نخواهد شد. (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ص. ۱۳۴-۱۳۳) امام صادق (ع) هنگامی که دید یکی از دوستانش به غلام سیاه پوست و مادرش ناسزا و تهمت میزند به شدت ناراحت شد و فرمود چرا به او و مادرش دشنام می دهی؟ پاسخ داد: آنها کافرند و قانون ازدواج ندارند و فرزندانشان زنازاده هستند امام فرمود: هر قوم و مسلکی قانون و سنت ازدواج خاص خود را دارد و در قرآن و سنت آنها درست است و سپس به او فرمود از من دور شو و دیگر با او معاشرت نکرد. (کلینی، بی تا: ج ۲، ص. ۳۲۴-۳۲۳) به علاوه امام صادق (ع) مسلمانان را از متهم کردن یهودی یا نصرانی یا مجوسی به مسئله ای که از آن اطلاع ندارند، نهی کرد. (التیمی المغربی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص. ۴۶۰)

۳-۴. همگرایی سیاسی و اجتماعی

مفهومی که می تواند بیانگر تشکل جمعی افراد جامعه اسلامی از جمله اقلیت ها و گروه های مختلف شود، امت واحده است. قرآن به صراحت همه انسانها را امت واحدی می داند^۲. (بقره، ۲۱۳؛ یونس، ۱۹؛ انبیاء، ۹۲) علامه طباطبایی اختلاف انسانها را مربوط به امور عَرَضی مثل ظلم، حسادت، زیاده خواهی و... می داند که امت را از وحدت خارج ساخته و به انسانیت و امور ذاتی و فطری آنها ربط ندارد. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص. ۱۶۸) لذا می بایست تلاش همگان در جهت نفی ظلم، زیاده خواهی و... باشد تا امت واحده شکل گیرد و بستر همزیستی مسالمت آمیز فراهم گردد. در همین راستا پیامبر (ص) در پیمان نامه مدینه همه امضاکنندگان پیمان نامه از جمله یهودیان را

^۱ اِنِّیْ اُكْرَهُ لَکُمْ اَنْ تَكُوْنُوْا سَبَابِیْنَ، وَ لَکِنَّکُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ اَعْمَالَهُمْ وَ ذَکَّرْتُمْ حَالَهُمْ کَانَ اَصُوْبَ فِی الْقَوْلِ وَ اَبْلَغَ فِی الْعُدْرِ، وَ قُلْتُمْ مَکَانَ سَبِّکُمْ اِیَّاهُمْ اَللّٰهُمَّ اِحْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ اَصْلِحْ ذَاتَ بَیْنِنَا وَ بَیْنَهُمْ وَ اَهْدِهِمْ مِنْ ضَلٰلَتِنَا، حَتّٰی یَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جِهَلِهِ وَ یَرْعُوْیَ عَنِ الْغٰیِّ وَ الْعُدُوْاَنْ مَنْ لَیْجُ بِهٖ. (سیدرضی، ۱۳۷۱، خطبه ۲۰۶، ص. ۲۴۰)

^۲ کَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً. (بقره/۲۱۳) وَ مَا کَانَ النَّاسُ اِلَّا اُمَّةً وَّاحِدَةً ... (یونس/۱۰) اِنَّ هَذِهِ اُمَّةٌ وَّاحِدَةٌ ... (انبیاء/۹۲)

هم ردیف مسلمانان دانست.^۱ (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص. ۱۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۹، ص. ۱۶۸؛ ابن کثیر: ج ۱، بی تا، ص. ۴۱۹) همچنین عمیدزنجانی بر این اعتقاد است که افراد غیر مسلمان در جامعه اسلامی، از طریق امضای قرارداد، جزئی از جامعه واحد می‌شوند و اجنبی به شمار نمی‌آیند زیرا یک پیوند معنوی و روحی بین آن اقلیت و جامعه اسلامی ایجاد می‌شود. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۹، ص. ۳۰) بنابراین یکی از استراتژی‌های مهم انسانی که زمینه ساز همزیستی مسالمت آمیز می‌شود اینکه؛ همه گروهها، اقوام جامعه و اقلیت‌ها خود را جدای از دولت، نهادهای اجتماعی، حکومت و حاکمیت ندانند بلکه باید فرایندهای سیاسی، قانونی و سیاستگذاری‌ها به گونه‌ای پیش رود و برنامه‌ریزی گردد که رضایت عمومی را بدنبال داشته باشد به علاوه نوعی احساس تعلق و همگرایی درونی بین نژادهای مختلف جامعه و گروه‌ها شکل گیرد.

۳-۵. همدردی در مصائب

همدردی در مصیبت‌ها یکی از ویژگی‌های والای انسانی بوده که در نصوص دینی مورد تاکید قرار گرفته است و این ابراز همدردی محدود به کیش و آیین، مذهب، دین و... نمی‌شود بلکه از راهبردهای انسانی و اخلاقی می‌باشد که جهت در تسلی و تاسی هر انسان انجام می‌شود و نقش موثری در بستر سازی همزیستی مسالمت آمیز با صاحبان ادیان دارد چنان که پیامبر(ص) در مراسم عبدالله ابن اُبی که از یهودیان و منافقان زمان ایشان بود، شرکت کرد و به یهودیان و فرزندان عبدالله تسلیت گفت بعلاوه پیامبر رحمت(ص) در مصائب و شدائد با اقلیت‌ها همدردی می‌کرد و به عیادت بیماران آنان میرفت.^۲ (الکوفی، بی تا، ص. ۱۵۹؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۹۵)

نتیجه گیری

انسانها به فراخور ارتباط و تعامل با یکدیگر نیازهای اقتصادی و عاطفی خود را مرتفع می‌کنند اما گاهی تفاوت در دین، مذهب، نژاد، طبقه و... سبب اختلاف و دور شدن انسان‌ها از یکدیگر می‌شود

^۱ هذا کتاب من محمد النبی صلی الله علیه وسلم ، بین المؤمنین والمسلمین من قریش و یثرب ، ومن تبعهم ، فلحق بهم ، وجاهد معهم ، إنهم أمة واحدة من دون الناس. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ۱۴۷ و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص. ۱۶۸ و ابن کثیر، بی تا، ج ۱، ص. ۴۱۹)

^۲ أَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَادَ يَهُودِيًّا فِي مَرَضِهِ. (الکوفی، بی تا، ص. ۱۵۹ و عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۹۵)

به گونه ای که؛ دین یا مذهب متفاوت بستر بدبینی و دور شدن پیروان ادیان و مذاهب را فراهم می کند. در این راستا رهنمودهای نصوص دینی و عملکرد پیامبر(ص) و ائمه(ع) می بایست راهبرد و خط و مشی موثر در تسهیل ارتباطات انسانی باشد. از بُعد نظری و معرفتی که مشتمل بر ارزشمندی ذات انسان فارغ از عناوین ثانویه مثل نژاد، دین و مذهب و... مورد توجه واقع و تاکید گردید که پذیرش دین خاص و... مقصود نیست بلکه مولفه آزادی و اختیار در انتخاب کلیه امور اعم از دین، مذهب، کیش و آیین و... حکمفرماست همچنین برخورداری از نگرشی فراقومی و فرامذهبی راهکاری بینادینی و حتی فرادینی است که در جهت نفی نگرش محدود و محق دانستن بعضی ادیان و پیروان آنها تاثیر و اهمیت فراوانی دارد. توصیه های اخلاقی که بخشی از راهبردهای انسانی در راستای زیست مشترک انسانها با وجود تمایز در ادیان یا مذاهب یا قومیت ها و... ضرورت مسالمت آمیز بودن تعاملات و ارتباطات بشری را در سطوح ملی و بین المللی دوچندان می کند. در متون فقهی به همدردی در مصائب، نیکی کردن و... به عنوان راهبردهای اخلاقی انسانی که جنبه عملیاتی دارند نه تنها سفارش بلکه پیامبر(ص) و امامان(علیهم السلام) مجری دستورالعمل های دینی نیز بوده اند. اهمیت و حساسیت ارتباطات فرادینی در سطح ملی اولاً؛ بستر شکل گیری علقه تعلق پیروان سایر ادیان به سرزمین، حکومت و حاکمیت که در تحت لوای آن زندگی می کنند را نتیجه می دهد. ثانیاً؛ در ایجاد و حفظ وحدت و انسجام ملی موثر است. ثالثاً؛ مدافع منافع قلمرویی که در آن زندگی می کنند، باشند. رابعاً؛ در سطح بین المللی و جهانی در برقراری و استمرار روابط خارجی با سایر دول جهت حفظ امنیت و آرامش جهانی از جایگاه ویژه ای برخوردار خواهد بود به عبارت دیگر؛ از کارکردهای زیست مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان در نصوص دینی؛ ایجاد همگرایی سیاسی در راستای تقویت بنیانهای نظام و حکومت نیز ثمربخش خواهد بود مضاف بر موارد پیش گفته از بعد کلان سیاسی در حفظ کیان حکومت اسلامی، برخوردار از وجهی غیر قابل وصف می باشد.

منابع

قرآن کریم

ابن ابی الحدید. (۱۴۰۷ق). شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالکتاب العربی.

ابن عابدین، محمد امین. (۱۳۸۶ش). رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دارالفکر.

ابن حمدون، محمد بن حسن. (۱۹۶۰ق). التذکره الحمدونیه، بیروت: دار صادر.

- اصفهانى، ابونعميم. (۱۴۰۷ق). حليه الاولياء، بيروت: دارالكتاب العربى.
- احمد بن حنبل. (۱۴۲۰ق). المسند، بيروت: مؤسسه الرساله.
- ابن هشام. (بى تا). السيره النبويه، بيروت: دار احياء التراث العربى
- ابن كثير. (بى تا). السيره النبويه، بيروت: دارالكتب العلميه.
- بخارى، محمد بن اسماعيل. (۱۴۲۰ق). بيروت: دارالفكر.
- التميمي المغربى، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ش). دعائم الاسلام، مصر: دارالمعارف.
- ثقفى، سعيد بن هلال. (۱۴۱۰ق). الفهارات، قم: دارالكتاب الاسلامى.
- ثقفى الكوفى الاصفهانى، ابراهيم بن محمد. (۱۳۵۵ش). الفهارات، تهران: انجمن آثار ملي.
- جعفرى، محمدتقى. (۱۳۶۹ش). حكمت اصول سياسى اسلامى، تهران: بنياد نهج البلاغه.
- الحرانى، محمد بن حسن ابن الشعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم: جامعه المدرسين.
- الحصفاكى. (۱۳۸۶ش). الدر المختار، بيروت: دارالفكر.
- حميدالله محمد. (۱۳۷۴ش). نامه ها و پيمان هاى سياسى حضرت محمد(ص)، ترجمه: سيدمحمد حسيني، تهران: سروش
- هرالعملى، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت.
- زيدان، جرجى (۱۳۳۶ش). تاريخ تمدن اسلام، تهران: اميركبير
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن. (۱۳۷۳ش). مختصر شرح الجامع الصغير للمناوى، بيروت: داراحياء الكتب العربيه
- سيدرضى. (۱۳۷۱ش). نهج البلاغه، تهران: نشر علمى و فرهنگى.
- طباطبايى، سيدمحمد حسين. (۱۳۶۷ش). تفسير الميزان، قم: جامعه مدرسين
- طبرانى، سليمان ابوالقاسم. (بى تا). المعجم الكبير، القاهره: مكتبه ابن تيميه
- الطبرى، محمد بن جرير. (۱۴۰۷ق). تاريخ الطبرى، بيروت: دارالفكر
- عليخانى، على اكبر. (۱۳۹۲ش). اسلام و همزيستى مسالمت آميز، تهران: به آفرين
- عميدزنجانى، عباسعلى (۱۳۷۹ش). حقوق تعهدات بين المللى و ديپلماسى در اسلام، تهران: سمت.
- قرطبي، محمد بن احمد انصارى. (۱۳۵۲ش). الجامع لاحكام القرآن، قاهره: دارالكتب المصريه
- قمى، على بن ابراهيم. (۱۴۰۴ق). تفسير قمى، قم: دارالكتب

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۴ ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه
الکوفی، محمد بن الأشعث. (بی تا). *الجعفریات*، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه
محدث نوری. (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت
محمدی الریشهری، محمد. (۱۴۲۱ ق). *مؤسسه الامام علی (ع)*، قم: دار الحدیث.
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء